

نظریه‌های جدید از دل نغدها و چالش‌های علمی متولد شده است.

### ارتباط علمی و گفت‌وگوهای علمی-آکادمیک چقدر در هندسه پیشرفت علم و نوآوری‌های علمی مؤثر است؟

«گفت‌وگو» لازمه کار علمی در همه عرصه‌ها، بویژه عرصه علوم انسانی است. بر خلاف دنیای سیاست که بعضی از سیاستمداران دائماً به هم بدبین و خوش بین می‌شوند یا مانند کودکان و به خاطر دور شدن از واقع‌گرایی، با یکدیگر قهر می‌کنند، در علوم انسانی باید دانشمندان همیشه با هم در آشتی به سر ببرند.

قهر کردن در علم بی‌معناست. مرزبندی‌های اعتقادی و ایدئولوژیک یا سیاسی در علم، کمکی به توسعه و تعمیق علم نمی‌کند. ائمه اطهار (ع) به‌راحتی با خدائاباوران مباحثه می‌کردند و صحنه بحث و گفت‌وگو را به خاطر تفاوت‌های عقیدتی ترک نمی‌کردند. من جزو کسانی هستم که معتقد به ضرورت بسط گفت‌وگوهای علمی در علوم انسانی، با صاحبان همه مکاتب علمی می‌باشم و خودم نیز از گفت‌وگوی علمی به خاطر اختلاف نظر سیاسی با برخی اساتید، پرهیز نمی‌کنم. بخش اعظم سوء تفاهم‌های علمی و تفاوت‌های نادرست دانشمندان درباره دیدگاه‌های همدیگر، مولود قطع یا کاهش گفت‌وگوهای علمی است.

### ارزیابی تان از کیفیت علوم انسانی در کشورمان چیست؟ چه عواملی را برای ارتقای کیفیت علوم انسانی مؤثر می‌شمارید؟

من نمره کیفیت علوم انسانی را با شاخص‌هایی که در نظر دارم، پایین می‌دهم.

زمانی علوم انسانی در کشور ما نمره مطلوب خواهد گرفت که نظریه‌پردازی و نوآوری در فضای علوم انسانی به نحو ملموسی گسترش پیدا کند. نقدهای علمی وسعت یابد و از همه مهم‌تر، علوم انسانی قادر باشد با قدرت، نقش مغزافزار پیشرفت همه جانبه کشور و نیز پیشگیری و مقابله با مسائل و آسیب‌های اجتماعی را بازی کند. الان این گونه نیست.

### اگر بخواهیم دایره اثربخشی علوم انسانی را در حل مسائل مبتلا به وسعت بخشیم، چه باید کرد؟

باید دیسپلین‌های غیرضروری را شجاعانه کنار بگذاریم.

باید پژوهش را با آموزش ممزوج کنیم. به تفکر و نوآوری بها بدهیم. از جذب زیاد و بدون محاسبه دانشجو خصوصاً دانشجوی تحصیلات تکمیلی اجتناب کنیم. به دانشجویان کم‌سواد، شجاعانه نمره قبولی ندهیم.

رویکردهای کمی محض مثلاً افراط در مقاله‌نویسی استادان برای ارتقای علمی را طرد کنیم. از نخبگان و نوابغ جوان جدی حمایت مادی و معنوی کنیم. از سوی دیگر، ارتباط علوم انسانی با کف جامعه را بالا ببریم. باید درک اساتید از ظرایف و پیچیدگی‌های اجتماعی متقن و عمیق باشد. باید نسبت به تحولات اجتماعی پیش‌بینی داشته باشیم.

نباید خودمان را در یک طیف یا طبقه اجتماعی محصور کنیم و با عینک آن طیف و طبقه، به جامعه نگاه کنیم.

با این حال، دوست دارم از یک واقعیت مهم دیگر نیز پرده برداری کنم.

واقعیتی که قصد دارم بیان کنم این است، تا زمانی که حکمرانی در کشور نظام‌مند و سپس علمی نشود، نظام حکمرانی، اساساً مسأله واقعی ندارد تا بخواهد دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در علوم

انسانی به آن مسأله پاسخی بدهند! پس موضوع را باید دو طرفه دید.

یک طرف کارآمدی علوم انسانی، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها است و طرف دیگر، نظام حکمرانی و حتی بخش غیردولتی است.

آنگاه که ذوق، سلیقه، شهود و تجربه شخصی جای علم را گرفته است، چه انتظاری هست تا دانشگاه‌ها حلال مسائل باشند و در دام تشریفات نیفتند؟!

### بعضی‌ها سرمایه‌گذاری بر تحقیقات نظری محض در علوم انسانی را بی‌بوهه تلقی می‌کنند؛ نظر شما در این باره چیست؟

این تلقی‌ها بویژه وقتی در بین همکاران‌مان در نظام آموزش عالی زیاد دیده می‌شود، جزو غصه‌های ماست.

بعضی‌ها که علوم انسانی را نمی‌شناسند، تصور می‌کنند نظرات کاربردی در علوم انسانی، بین زمین و آسمان معلق هستند! خیر، اصلاً این گونه نیست.

هر نظر و ایده کاربردی در علوم انسانی مبتنی بر دکترین‌ها و نظریه‌های علمی است و بدون پشتیبانی نظری، فاقد وجاهت است. بر این اساس، رشته‌های نظری محض در علوم انسانی خیلی مهم هستند.

فلسفه، الهیات، تاریخ، فلسفه علم، فلسفه‌های علوم یا فلسفه‌های درجه اول مانند فلسفه اقتصاد، فلسفه سیاست، فلسفه روانشناسی و غیره، همه در جای خود اهمیت دارند و کسی اجازه ندارد به نام کاربردی‌سازی، ارزش و قیمت اینها را پایین آورد.

### چه دیدگاهی درباره ارتباطات و تعاملات جهانی در عرصه علم و دیپلماسی علمی دارید؟

ارتباط و تعامل غیررسمی با دانشمندان خارجی و ارتباط و هم‌افزایی رسمی با دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در شرایطی که معمولاً جهان تحت سیطره ICT و دیجیتال‌ایسم را به یک «دهکده» تشبیه می‌کنیم، جزو واجبات است.

ما قادر نیستیم به سبک جزیره‌ای به زندگی خود ادامه دهیم. امروز بر خلاف سده‌های قبل، همه مردم جهان در یک کشتی بزرگ سوار شده‌اند و سرنوشت‌شان به هم پیوند خورده است.

در قضیه تلخ و خسارت‌بار کرونا، این به‌هم‌پیوستگی جهانی را به خوبی درک کردیم. در این شرایط، همه کشورها باید در عرصه علم و فناوری با یکدیگر همکاری کنند.

این نکته را توجه کنیم که همکاری‌ها فقط منحصر به علوم پایه، فنی و مهندسی و علوم پزشکی نیست.

امروز نیازهای جهانی در زمینه همکاری در علوم انسانی هم زیاد شده است.

درست است که ما با دیگران از حیث جهان‌بینی تفاوت داریم اما این تفاوت، مانع از همکاری در جهت توسعه امور انسانی و رفع خطرات اجتماعی مشترک در جهان نمی‌شود.

اتفاقاً ما در علوم انسانی حرف‌های قابل توجهی با جهان‌بینی خودمان برای دنیا داریم.

### پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که عهده‌دار مسئولیت مهم دبیرخانه دائمی جشنواره بین‌المللی فارابی است، خودش چقدر در موضوع تحول در علوم انسانی پیش‌تاز است؟

طی یکسال و نیم اخیر، اتفاقات قابل توجهی در مؤسسه سابق «مطالعات فرهنگی و اجتماعی» که با همکاری معاونین محترم وزارت علوم اخیراً به پژوهشگاهی با عنوان «پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی» تبدیل شد، ظهور و بروز یافته است.

در این پژوهشگاه، هفته‌ای نیست که شاهد یک رویداد علمی بزرگ و اثربخش نباشیم. بسیاری از اساتید بر این باورند که امروز این پژوهشگاه برای مراکز تحقیقاتی کشور انگوبخش است و فضای علوم انسانی در کشور را بویژه در عرصه آزاداندیشی، نقد و گفت‌وگوی علمی رونق داده است.

### اگر قرار باشد نقش جشنواره بین‌المللی فارابی در تحول و پیشرفت علوم انسانی را توصیف کنید، این نقش‌ها چه خواهند بود؟

این جشنواره معتبرترین جشنواره علوم انسانی و اسلامی است. بدون اغراق جشنواره بین‌المللی فارابی در گسترش ظرفیت‌های علمی و تحقیقی در علوم انسانی و در بالا بردن تراز تحقیقات در این ساخت اثرگذار است.

خوشبختانه، هر سال هم جشنواره نسبت به قبل رشد ساختاری و کیفی دارد. البته همکاری و مشارکت مجدانه و اثرگذار معاونت پژوهشی در وزارت علوم، معاونت علمی و فناوری و نیز بنیاد ملی نخبگان را نمی‌توان نادیده گرفت. امسال نیز مانند سال قبل، حمایت از برگزیدگان جشنواره افزایش ملموسی یافته است. جدای از خدمات تازه‌ای که بنیاد ملی نخبگان اعطا می‌کند، خوشبختانه معاونت پژوهشی وزارت علوم نیز از چهاردهمین جشنواره به بعد، به نفع اول و دوم جشنواره‌گرنی به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان جهت تکمیل پروژه تحقیقی آنان اختصاص می‌دهد.



تا زمانی که حکمرانی در کشور نظام‌مند و سپس علمی نشود، نظام حکمرانی، اساساً مسأله واقعی ندارد تا بخواهد دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در علوم انسانی به آن مسأله پاسخی بدهند! پس یک طرف موضوع، کارآمدی علوم انسانی، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها است و طرف دیگر، نظام حکمرانی و حتی بخش غیردولتی است. آنگاه که ذوق، سلیقه، شهود و تجربه شخصی جای علم را گرفته است، چه انتظاری است تا دانشگاه‌ها حلال مسائل باشند و در دام تشریفات نیفتند؟!

### گام‌هایی که برای اثربخشی علوم انسانی باید برداشت



اگر بخواهیم دایره اثربخشی علوم انسانی را در حل مسائل مبتلا به جامعه وسعت بخشیم، باید دیسپلین‌های غیرضروری را شجاعانه کنار بگذاریم. باید پژوهش را با آموزش ممزوج کنیم.

به تفکر و نوآوری بها بدهیم. از جذب زیاد و بدون محاسبه دانشجو خصوصاً دانشجوی تحصیلات تکمیلی اجتناب کنیم. به دانشجویان کم‌سواد، شجاعانه نمره قبولی ندهیم. رویکردهای کمی محض مثلاً افراط در مقاله‌نویسی استادان برای ارتقای علمی را طرد کنیم. از نخبگان و نوابغ جوان جدی حمایت مادی و معنوی کنیم. ارتباط علوم انسانی با کف جامعه را بالا ببریم.

باید درک اساتید از ظرایف و پیچیدگی‌های اجتماعی متقن و عمیق باشد. باید نسبت به تحولات اجتماعی پیش‌بینی داشته باشیم. نباید خودمان را در یک طیف یا طبقه اجتماعی محصور کنیم و با عینک آن طیف و طبقه، به جامعه نگاه کنیم.